

یک کویر،

دو اقیانوس

گذری کوتاه

به چند اثر از

فاضلین نراقی*

سید مهدی طباطبایی

مقدمه

هر حرکت رو به رشد و فزاینده علمی که بخواهد در جهت طرح اندیشه‌ها و افکار نوین و منطبق با نیازها و سؤال‌های جامعه باشد، ناگزیر باید نگاهی کارشناسانه به میراث علمی سلف خود نیز داشته باشد و در دو بُعد روش (منهج) و محتوا (نظریه و نوآوری) ضمن تصحیح و توسعه آن ابعاد، دست‌مایه‌ای بر راه فراروی خود فراهم آورد.

بدون شک حذف بررسی‌ها و پژوهش‌هایی که در راستای معرفی و احیای آثار گذشتگان صورت می‌پذیرد و یا کم‌توجهی به این آثار دخالت مستقیم در روند نوگرایی و نوپردازی در عرصه پژوهش و تحقیق نیز دارد، حال این کم‌توجهی در موضوع باشد یا در روش.

چنان‌که واپس‌گرایی و محدود شدن به آثار گذشته، بدون در نظر گرفتن شرایط زمان و مکان و موضوع‌های جدید و اندیشه‌های نو، کاری ناقص و کم‌بهره خواهد بود.

پس مناسب آن است که با بررسی و کنکاش دست‌آوردها و آثار مهم دانشمندان اسلامی در کلیه موضوع‌های علوم حوزوی و زدودن غبار غربت و پیراستن و مستندسازی آنها، آنچه به عنوان نوآوری و نظریه‌پردازی‌های مهم و قابل استفاده برای نسل جدید از آنها است، استخراج شده و در مجموعه‌های قابل استفاده و منظمی به نسل نو پرداز حوزه عرضه شود.

در این صورت مشاهده خواهد شد که چه کتاب‌ها و تألیف‌های گرانقدری وجود داشته که حوزه‌ها به خصوص نسل

* این مقاله از طرف واحد احیای میراث اسلامی مرکز مطالعات و تحقیقات اسلامی دفتر تبلیغات اسلامی به دفتر مجله ارسال شده است.

تصحیح آثار خطی فاضلین نراقی پیردازد و این امر به واحد احیاء میراث اسلامی این دفتر سپرده شد. عنایت ویژه‌ای که رهبر فرزانه و اندیشمند انقلاب به آثار سلف صالح و احیاء و تصحیح آنها دارند، بخصوص آثار این دو بزرگوار، قابل ستایش و تقدیر است و حساسیت این کار را بیشتر می‌نماید؛ لذا در میان این آثار، ۸ عنوان در اولویت تحقیق و تصحیح قرار گرفته که عبارت‌اند از: **مناهج الاحکام، مفتاح الاحکام، اساس الاحکام، انیس المجتهدین، سیف الأمة، انیس التجار، تذکرة الاحباب و تحفة رضویه.**

*

در این نوشتار به فراخور این مجال، نگاهی هر چند گذرا به برخی از مهم‌ترین آثار اصولی، فقهی و کلامی نراقی‌ها، آن‌هم آثاری که عموماً به صورت خطی یا چاپ حجری بوده و اکنون در حال تصحیح و تحقیق می‌باشند، می‌افکنیم. امید که حق مطلب ادا شده و گوشه‌ای از شأن و مرتبه‌الای علمی و فضل این دو خورشید همیشه فروزان شناسانده شود. متذکر می‌شود که آثار معرفی شده در هر موضوع حتماً به معنای همه آثار آنان نیست، بلکه گزینش شده است.

خلاصه

الف. آثار اصولی:

- ملا محمد مهدی نراقی:
 ۱. **جامعة الأصول؛**
 ۲. **انیس المجتهدین؛**
 ۳. **تجربید الأصول؛**
- ملا احمد نراقی:
 ۱. **مفتاح الاحکام؛**
 ۲. **اساس الاحکام؛**
 ۳. **مناهج الاحکام.**

ب. آثار فقهی:

- ملا محمد مهدی نراقی:
 ۱. **تحفة رضویه؛**
 ۲. **انیس التجار.**
- ملا احمد نراقی:
 ۱. **تذکرة الاحباب.**

۱. متن کلام وی در ادامه این نوشته آمده است.

جدید، از آنها بی‌خبر مانده‌اند، و چه روش‌ها و نظریه‌های بدیع و پژوهش‌های ژرفی توسط مؤلفان این کتب صورت گرفته است که می‌تواند الگویی نیک و کارآمد فراروی محققان فراهم آورد.

و در این میان آن‌چه از ملا مهدی و احمد نراقی، این پدر و پسر نابغه و جامع‌نگر که اسطوره‌های تاریخ شیعه و استوانه‌های علمی سده‌های اخیر محسوب می‌شوند، بر جای مانده، بیش از حد مورد کم‌اعتنایی و غربت قرار گرفته و جز دو یا سه اثر، دیگر آثار آنان اغلب به صورت خطی یا حداکثر چاپ حجری بوده است، در حالی که همه آثار آنان، که کلیه موضوع‌ها و علوم حوزوی را در بر می‌گیرند، جزو مهم‌ترین منابع علمی شیعه بوده و حاوی پژوهش‌ها و اندیشه‌هایی است که جز نبوغ و روشن‌اندیشی نراقی‌ها چیزی با آنها برابری نمی‌کند.

به جرأت می‌توان گفت که فقه و اصول و حتی کلام اسلامی در سده سیزدهم هجری و پس از آن بسیار متأثر از نراقی‌هاست و مکتب شیخ مرتضی انصاری (ره)، با آن همه دامنه و طمطراقی که داشته، بسیار و امدار نظریات و منهجیت فقهی و اصولی ملا محمدی و احمد نراقی است. تقابلی اندیشه اخباری و اصولی و در نهایت به حاکمیت رسیدن فقاهت مبتنی بر عقل و اجتهاد مصطلح، بسیار موهون تلاش‌های علمی و استدلال‌های متین و راسخ آنان است، که نه مانند صاحب «قوانین» - آن اصولی بزرگ هم عصرشان - مطلق «ظن» را حجیت دانستند و نه مانند اخباریون، «ظن» را از دایره دللیت خارج کردند، بلکه آنان با اجتهاد علمی و جهاد اخلاقی، بکرترین نظریات را آفریدند و در نمونه‌ای از این تعدیل فکری، بر حجیت «خبر واحد» بر مبنای ظنی بودن آن دلیل قاطع آوردند؛ چنان که خود ملا احمد نراقی نیز در مقدمه «اساس الاحکام» اشارت دارد که آنچه به عنوان حجیت خبر واحد ذکر کرده، الهام ربوبی بوده و با توسل و صفای دل حاصل شده است.^۱

*

سال گذشته، به دنبال درخواست دبیرخانه گنگره فاضلین نراقی، مقام معظم رهبری، حضرت آیه‌الله خامنه‌ای (دام‌ظله الوارف) دستور دادند که دفتر تبلیغات اسلامی به امر احیاء و

جز این آثار، در فقه می توان از کتاب سترگ «لوامع الأحكام» (دو مجلد خطی) از ملا مهدی نراقی و در اصول، «شرح تجرید الاصول» (در ۷ مجلد خطی) از ملا احمد نراقی نام برد که معرفی آنها مجال وافرتری می طلبد و اگر نبود جز همین دو اثر اصولی و فقهی، باز هم علمیت و علو مرتبه آن دو فرزانه دهر در اوج قرار داشت، و جای بسی تأسف است که حوزه های علمیه هنوز هم از این آثار بی بهره اند و تنها می توان در یکی دو کتابخانه بزرگ و در میان مخطوطات، آنها را یافت.

الف. آثار اصولی

آثار اصولی این دو بزرگوار، هم از جهت حجم و کمیت و هم از نظر محتوا و نظریه پردازی، قابل مقایسه با آثار دیگر علمای قبل و پس از ایشان نیست. معمولاً هدف عمده در این آثار تنقیح مبانی علم اصول و دسته بندی منظم قواعد اصولی و از همه مهم تر پاسخ گویی به شبهات و القاءات اخباریون می باشد. لذا برخی از این تألیفات، مانند تجرید الاصول (ملا مهدی) و مفتاح الاحکام (ملا احمد) بدون استدلال و تفصیل آمده و برخی از نظر استدلال و مناقشه در حد متوسط است؛ مانند «انیس المجتهدین» (ملا مهدی) و «اساس الاحکام» (ملا احمد) و برخی دیگر بسیار مفصل و حاوی جمیع استدلال ها، اقوال و مناقشات در همه ابواب مقدماتی و اصلی علم اصول می باشد؛ مانند «شرح تجرید الاصول» و «مناهج الاحکام» (ملا احمد نراقی). تحقیقات متیور علوم

گفته شد که توجه اصلی نراقی ها در کتب اصولیشان متوجه اخباری هاست؛ پس مناسب است پیش از معرفی اهم این آثار موارد اختلاف و نزاع مجتهدان و اخباری ها را ذکر کنیم. اتفاقاً در کتاب «رسائل و مسائل» از ملا احمد نراقی سؤالی بر همین مضمون از وی پرسیده شده و او به اختصار موارد این اختلاف و نزاع را در پنج مطلب خلاصه می کند و از آن جا که متن کتاب به زبان فارسی است، اصل کلام مؤلف را ذکر می کنیم که خالی از فایده نیست:

اول: این که استنباط حکم به این طریق، غالب اوقات آن است که مفید زائد بر ظن نیست؛ چه بسیاری از مقدمات، قواعد و اقسام ادله زیاد بر ظن افاده نمی کند و ظن در احکام الهی حجّت نیست، نه مطلق ظن... [اخباری ها] می گویند: اخباری که امروز در دست هست مفید علمند و این مطلب نیز حقیقتاً یک نزاع عظیمی است میان مجتهد و اخباری؛ چه مجتهدین می گویند: این اخبار مفید علم نیستند و اخباریین ادعای علمیت آن را می کنند.

دوم: در توقف استخراج احکام بر مقدمات مذکوره، از علم لغت، نحو و صرف، منطق و اصول و رجال؛ چه ایشان می گویند: استنباط احکام از ادله موقوف به اکثر اینها نیست، و اکثر قواعد اصولیه را مخترعه می دانند.

سوم: در توقف استخراج احکام از قواعد کلیه بر قوه قدسیه.

چهارم: در تجاوز کردن در ادله احکام از کتاب و اخبار و به اجماع و ادله عقلیه عمل کردن؛ چه ایشان منحصر می دانند دلیل را در کتاب و سنت، بلکه بسیاری از ایشان در حجیت کتاب خدا بدون بیان ائمه هدی نیز تردید دارند.

پنجم: در صحت اصل اجتهاد من حیث هو اجتهاد؛ چه ایشان می گویند: اجتهاد باطل است و از ائمه دین مذمت اجتهاد و طعن بر اهل آن وارد شده.^۲

۱/الف - ملا مهدی نراقی (ره)

۱. جامعة الأصول:

این کتاب به تازگی توسط کنگره فاضلین نراقی (ره) و با تحقیق جناب آیه الله استادی به چاپ رسیده است.

مؤلف هدف خود را از تألیف کتاب این گونه بیان می کند:

إني كنت منذ دهر طويل و زمان كثير، عازماً على إمامة رسالة جامعة لجميع الأدلة المشتركة في إطلاق اسم الأصل عليها التي هي معتبرة عند أصحابنا الإمامية و متداولة بين فقهائنا الاثنى عشرية (شكر الله مساعيهم الجميلة) مع ما يتعلق بها من الاستدلال و الاتيان بما ثبت عندي من تحقيق الحال و تدقيق المقال، لأنها هي عمدة ما يستنبط منه الأحكام الشرعية و يستخرج منه المسائل الفرعية...؛ از دير باز و مدت ها پیش بر آن بودم تا رساله ای فراگیر از همه ادله مشترکی که اسم اصل بر آنها بار می شود و نزد امامیه معتبر و در میان فقیهان دوازده امامی متداول است، گرد آورم و به همراه آن هر گونه استدلال و کنکاشی که فراخور

۲. ملا احمد نراقی، رسائل و مسائل، تحقیق: رضا استادی، ص ۸۲، کنگره فاضلین نراقی، ۱۳۸۰ هـ.ش.

اموری است که عموم البلوی^۱ باشند و اصالت برائت نافی تکلیف است که نافی حکم واقعی، بنابراین دو قسم خواهند بود و این اصل اخص از اصل برائت است.^۶

فصل هشتم: اصل اخذ به اقل، آنگاه که دلیلی بر اکثر نبود. مؤلف می گوید:

حق آن است که این اصل منشعب از اصل برائت است، چنان که محقق از «معتبر» و شهید در «ذکری»، آن را به اصل برائت بر گردانده اند.

فصل نهم: اصل در کلام، حقیقت است.

مؤلف در این فصل ضمن بر شمردن صورت های مختلفی که در این مسأله قابل تصور است، بیان می دارد که صورت صحیح تقریر این اصل آن است که اگر لفظی معنای حقیقی و مجازی داشت و شارع آن را بدون قرینه آورده بود، لازم است که آن را بر معنای حقیقی اش حمل کنیم.

فصل دهم: اصالت نفی تخصیص و تقیید و نسخ و اشتراط.

فصل یازدهم: اصل در اشیاء طهارت است.

مؤلف مردد است که آیا این اصل تحت قاعده فقهیه است یا اصالت اباحه، لذا هر دو قول را ذکر می کند و از آنجا که دلالت روایت را بر این اصل تمام نمی شمارد آن را تحت اصل اباحه جای می دهد.

فصل دوازدهم: در بیان برخی از اصول متداول میان فقیهان که داخل در اصول ذکر شده در فصل های سابق اند.

تاریخ اتمام این کتاب شب دهم شوال المکرم سال ۱۱۸۰ قمری است.

۲. انیس المجتهدین

این کتاب - چنان که مؤلف در مقدمه بیان می دارد - حاوی قواعد اصولی مهمی است که بدین شکل در کتاب های پیشینیان نیامده است، و نوع دسته بندی و ارائه مطالب چنان است که متفاوت با دیگر آثار اصولی قبل از محقق نراقی (ره) به نظر می رسد.^۷ رؤوس مطالب کتاب را جهت آشنایی بیشتر با سبک مؤلف در تقسیم مباحث علم اصول ذکر می کنیم؛ با این تذکر

باشد، بیاورم؛ چه، این اصول منبع اصلی استنباط احکام شرعی و استخراج فروع مسائل است...^۳

از این بیان در می یابیم که مؤلف با صرف نظر از مباحث مقدماتی و آنچه مربوط به مبادی تصویری و تصدیقی علم اصول است، می کوشد قواعد و اصولی را که فقیه در باب استنباط احکام و فروع مسائل شرعی بدانها نیاز دارد، تبیین و بر آن استدلال کند، از این روی هم به تحکیم مبانی مجتهدین - در مقابل اخباریین - می پردازد و هم امهات قواعد اصولی را در قالب دوازده فصل بیان می دارد، که عبارتند از:

فصل اوک: اصل برائت، به معنای اصل اباحه (در شبهات حکمیة تحریمیة ما لا نص فیة که امر دائر بین حرمت و اباحه باشد).

فصل دوم: اصل برائت، به معنای اصل عدم وجوب و استحباب، در شبهات حکمیة و جوبیه.

فصل سوم: در حکم شبهه در طریق حکم (شبهات موضوعیة) که اصل برائت است.

فصل چهارم: استصحاب حال عقل.

فصل پنجم: استصحاب حال شرع.

فصل ششم: اصالت عدم تحقق حادث.

مؤلف می گوید:

«مانند آن که آبی را استعمال کرد و پس از استعمال نجاستی در آن یافت و شک کرد که آیا نجاست قبل از استعمال حاصل شده یا بعد از استعمال، در این صورت اصل، عدم وقوع قبل از استعمال است، زیرا اصل، عدم تقدیر است».^۴

نیز می گوید: «این اصل داخل در اصل عدم است» بدین معنا که استصحاب عدم آن را در بر می گیرد.

فصل هفتم: در اصل تمسک به عدم دلیل.

مؤلف در این فصل می گوید:

«نبودن دلیل بر فلان حکم دلالت دارد بر انتفاء آن... شهید در ذکری می گوید این اصل به برائت اصلیه باز می گردد».^۵

سپس به مناقشه قول عامه می پردازد که می گویند: عدم المدرك مدرک العدم و در پایان این فصل می گوید:

ظاهر گردید که بنای این اصل مبنی بر نفی حکم واقعی در

۳. ملا مهدی النراقی، جامعة الأصول، تحقیق رضا استادی، ۱۳۸۰ هـ.ش، کنگره فاضلین نراقی (ره).

۴. همان، ص ۲۴۵.

۵. همان، ص ۲۵۱.

۶. همان، ص ۲۵۳.

۷. مانند واقیة الأصول، معالم الأصول، نهاية الاصول، منتهی الاصول و... .

که وی این کتاب را بر پنج مبحث حاوی چند باب و هر باب حاوی چند فصل است مرتب کرده است.

مبحث اول: مقدمات

باب اول: در بیان پاره ای از احوال علم اصول؛

فصل اول: تعریف علم اصول؛

فصل دوم: موضوع علم اصول؛

فصل سوم: مرتبه، فایده و شناخت علم اصول؛

باب دوم: مبادی لغوی؛

مؤلف معتقد است که مبادی دو قسم است: تصویری و تصدیقی که از جمله مبادی تصویری علم اصول تصور احکام پنج گانه و متعلقات آنهاست و در باب سوم آنها را تحت عنوان مبادی احکامیه ذکر می کند. اما مبادی تصدیقیه بخشی از مسائل علم کلام و عربی و منطق است و به جهت شدت احتیاج به برخی مسائل لغوی در تفریع برخی از فروع بر آنها، لذا آنها را تحت عنوان مبادی لغوی ذکر می کند.

در این باب چند فصل آمده است.

باب سوم: مبادی احکامیه؛

مؤلف در دومین فصل این باب به تفصیل بحث حسن و قبح عقلی را مطرح می کند و در باب لزوم پرداختن به این بحث می گوید.

اعلم انه لما كان البحث في المبادى الاحكامية عن نفس الحاكم والحاكم والمحكوم فيه والمحكوم عليه ومعرفة الحاكم كانت موقوفة على تحقيق الحسن والقبح حتى يظهر انهما باي معنى شرعيان حتى يكون الحاكم فيهما هو الشارع وبأي معنى عقليان حتى يكون الحاكم فيهما هو العقل، وهو التلازم بين الشرعيين والعقليين حتى كان الحاكم الشرع والعقل معاً؟ جرت عادة القوم هنا بالبحث عن الحسن والقبح، وكونهما عقليين أو الشرعيين؛ از آن جا که بحث درباره مبادی احکامیه پیرامون حکم و حاکم و محکوم فيه و محکوم علیه است، و شناخت حکم کننده (حاکم) متوقف است بر کنکاوش درباره حسن و قبح، تا دانسته شود که آنها در چه صورت شرعی اند تا حاکم در آنها شارع باشد و در چه صورت عقلی اند تا حاکم در آنها عقل باشد، و نیز آیا تلازمی بیان حسن و قبح شرعی و عقلی هست تا این که هم عقل و هم شرع، هر دو حاکم باشند؟ از این روی دانشمندان بر آن شده اند تا بحث درباره حسن و قبح را پیش کشند و درباره عقلی یا شرعی بودن آنها دو بحث کنند.

سپس در طی چند «امر» به تفصیل به موضوع حسن و قبح

عقلی می پردازد و نظریه مجتهدان و معتزله را در برابر اخباریون و اشاعره تقویت می کند.

پس از این مبحث، مؤلف وارد مبحث دوم، تحت عنوان ادله شرعیه می شود:

مبحث دوم: ادله شرعیه

باب اول: کتاب؛

باب دوم: سنت؛

مؤلف در این باب به بیان حقیقت خبر و اقسام آن، و اقسام تواتر، تعریف خبر واحد و حجیت آن و مطالب بدیع و مفیدی پیرامون خبر واحد و شرایط عمل به آن، هم چنین تسامح در ادله سنن می پردازد.

آنچه در متمیم این باب به چشم می خورد اقسام حدیث از دیدگاه فاضل نراقی است که به تفصیل شبیه آنچه در علم درایه پیرامون اقسام حدیث می آید، ذکر شده است، راوی و تعدیل و جرح نیز از جمله مباحث مطرح شده در این متمیم است.

به نظر می رسد مؤلف بسیاری از نظریات رجالی و علم الحدیثی خود را در این فصل آورده است و جزئیات مربوط به سند و دلالت حدیث را چونان آنچه و مقدمات علم رجال می آورند، مفصل بیان می شود.

باب سوم: اجماع؛

باب چهارم: ادله عقلیه - که آن بر سه نوع است:

- اصل برائت؛

- استصحاب حال العقل؛

- استصحاب حال الشرع؛

- التلازم بین حکم العقل و الشرع؛

باب پنجم: قیاس؛

مؤلف در این باب به تفصیل ارکان قیاس و تقسیمات آن را بر شمرده و بر مبانی عامه مناقشه می نماید و تنقیح مناط و قیاس منصوص العلة را به عنوان مدارک عقلی احکام بررسی می کند. تفصیلی که مؤلف پیرامون قیاس آورده است، قابل تأمل و امعان نظر است.

اصولی را عرضه کند. این کتاب هنوز به چاپ نرسیده است و از قرار معلوم توسط برخی از افاضل در دست تحقیق و نشر است. ملا احمد نراقی شرح مبسوطی بر آن نگاشته که به گفته خودش به ۷ مجلد می‌رسد، و آن نیز هنوز خطی است. ترتیب عناوین این کتاب دقیقاً مانند انیس المجتهدین است، جز آن که مطالب به اختصار گفته شده است.

مناسب است خلاصه‌ای از فهرست کتاب را جهت آشنایی بیش تر با سبک و نوع مباحث مطرح شده در آن ذکر کنیم:

المقصد الأول: في المقدمات؛ که در طی دوازده فصل به مبادی تصویریه و لغویه علم اصول می‌پردازد.

باب الأحكام (المبادی الأحکامیة)

در این باب نیز چندین فصل را به ذکر اقسام احکام شرعی و تقسیمات هر یک، مقدمه واجب، اجتماع امر و نهی، احکام وضعیه، معلق، حسن و قبح عقلی، و شرایط تکلیف اختصاص داده است.

المقصد الثاني: في الأدلة الشرعیة

۱. الكتاب / معنى القرآن - تواتر القرآن - تحریف القرآن و عدمه - حجة ظاهر الكتاب

۲. السنة / تفسیرها - اعتبار القصد في ترتب الأثر علی الخبر والانشاء - الصدق و الکذب، اقسام الخبر - خبر الواحد - ...

۳. الاجماع

۴. ادلة العقل / استصحاب حالة الشرع - استصحاب حالة العقل - اصالة عدم التکلیف - اصالة تأخر الحادث - عدم الدلیل دلیل العدم - التلازم بین الحكمین - الاستقراء - البراءة والاحتیاط - الاستحسان - المصالح - القیاس -

المقصد الثالث: في مشترکات الكتاب و السنة الامر و النهی / العام و الخاص / التخصیص / المطلق و المقید / المجمل و المبیّن / المنطوق و المفهوم / الظاهر و المؤول / النسخ /

المقصد الرابع: الاجتهاد و التقليد

- حقیقة الاجتهاد

- معنی التقليد

التعادل و التراجیح

الف. ۲/۲. ملا احمد نراقی

۱. مفتاح الأحکام

کتاب با وجود ایجاز و خلاصه گویی، از اتقان و جامعیت خاصی برخوردار است و در میان کتاب‌های اصولی غیر استدلالی در دوره‌های اخیر و عصر مصنف، شاید بهترین کتاب

مبحث سوم: مشترکات کتاب و سنت

اکنون رسم بر آن است که بحث از اوامر و نواهی، خاص و عام و ... را در ابتدای کتاب‌های اصولی و به عنوان مباحث مقدماتی یا لفظی ذکر می‌کنند. اما مؤلف بر حسب سیر منطقی و به هم پیوسته‌ای که در کتاب انتخاب کرده، پس از بیان کلیات ادله احکام و استدلال بر آنها (در مبحث سابق) در این مبحث به محتوای این ادله توجه کرده و چگونگی دریافت حکم از آنها و قواعد این کار را توضیح می‌دهد، مشترکات کتاب و سنت، بخشی تفصیلی و استدلال پیرامون اوامر، نواهی، عام و خاص، مجمل و مبیّن، ظاهر و مؤول و منطوق و مفهوم، نسخ است.

مبحث چهارم: اجتهاد و تقلید

این مبحث حاوی برخی نظریات بدیع و روشنگرانه دربارهٔ تقابل فکر اصولی و اخباری است و از آن جا که وی شروط خاصی را برای اجتهاد برمی‌شمارد، قابل تأمل و دقت پیش‌تری است. او اجتهاد متجزی را قبول می‌کند و در تقلید نیز شرط.

مبحث پنجم: تعادل و تراجیح

مؤلف اصناف مختلف تعارض را از حیث سند و دلالت به خوبی و دسته‌بندی و تقسیم می‌کند و ترجیح در هر مورد را با دلیل برمی‌شمارد.

به طور کلی می‌توان گفت که کتاب «انیس المجتهدین» از منابع بسیار غنی و ارزندهٔ اصولی است و هنوز هم پس از گذشت دو قرن، تازگی و طراوتی در خور دارد؛ به خصوص آن که سبک دسته‌بندی و ارائهٔ مباحث اصولی آن می‌تواند الگویی برای نسل حاضر حوزه‌های علمیه باشد.

۳. تجرید الاصول:

رساله‌ای است موجز که کلیهٔ مباحث اصولی در آن طی سه مقصد بیان شده است. مؤلف، کتاب را به منظور زدودن اضافات علم اصول و تهذیب آن نگاشته است و سعی می‌کند در قالب عباراتی کوتاه و بدون ذکر استدلال و برهان، اهم مباحث و مسائل

از جهت منطقی بودن ترتیب مباحث، جامعیت و ادبیات نگارشی آن باشد.

آوردن مباحث الفاظ پس از ذکر ادله، بسیار منطقی به نظر می‌رسد؛ چنان‌که در انیس المجتهدین نیز چنین کرده است. لذا ابتکار مصنف را غیر از نظریه پردازی و ابتکارهای محتوایی، می‌توان هم در ترتیب مباحث و هم در تعیین عنوان و سرفصل‌ها برشمرد.

برای بهتر روشن شدن این امر، کلیات و رؤوس مطالب کتاب را از نظر می‌گذرانیم.

مقدمه: منزلت و تعریف علم اصول

باب اول: در بیان ادله احکام شرعی: عقل، کتاب، خبر، اجماع.

باب دوم: در بیان آن چه در استخراج احکام از ادله بدان نیاز است؛ مانند مباحث الفاظ.

باب سوم: تعارض و راه علاج آن.

خاتمه: در کیفیت استخراج احکام از ادله (اجتهاد).

نکته جلب و حائز اهمیت در کتاب، آن است که در باب اول، نخستین دلیل که ذکر می‌شود دلیل عقل است.

۲. اساس الأحكام

این کتاب علی‌رغم حجم کمتری که نسبت به شرح تجرید الاصول و دیگر کتاب‌های نراقی دارد، از مهم‌ترین و پربارترین آنها محسوب می‌شود به جهت آن‌که مؤلف به طور روشن و منسجم به طرح آرای خود و رد اخباریین می‌پردازد و در ابتدای کتاب نیز اذعان می‌دارد که محل نزاع مجتهدان با اخباریین آن است که آنها حجیت مظنه را مطلقاً قبول ندارد؛ بلکه خبر واحد را از باب علم آور بودن می‌پذیرند، لکن مجتهدان در عین حال که بر جواز عمل به ظن - فی الجملة - پای می‌فشارند، خبر واحد را نیز از همین راه حجت می‌دانند. وی می‌گوید:

ثم لما تطوق الى ما ذكره القوم في حجة الخبر الواحد الذي عليه المدار غالباً في هذه الأزمان وبدونها لا يثبت حجة غيره من الأدلة أيضاً في الأكثر عند التأمل والامعان فلم أعثر على شيء تام يصلح الاعتماد والاعتبار أو يحصل للنفس به الاطمینان والقرار، فأخذت في الجهد والجهاد والسعي والاجتهاد، حتى أنجز الله لي وعده الذي ذكره بقوله سبحانه (والذين جاهدوا فينا لنهدينهم سبلنا) وأوضح لي سبيل الهدى وكشف عن بصيرتي غطاء العمى والهمني بتوفيقه طريق اثبات أصالة حجة الأخبار على نحو قطعي

لم يسبقني عليه أحد من قبلي، فأردت أن أودع ذلك في كتاب مع سائر ما يتعلق بهذا الباب؛ بل ما هو الأصل في استنباط أحكام رب الأرباب ...^۸

کتاب اساس الاحکام با وجود اهمیتی که دارد هنوز به صورت خطی مانده و اخیراً توسط واحد احیاء تراث اسلامی در حال تحقیق و تصحیح است. این کتاب در حدود ۳۰۲ صفحه خطی است و پیش بینی می‌شود در ۱ مجلد (حدود ۵۰۰ صفحه) به چاپ برسد. تاریخ اتمام تألیف آن روز دوشنبه، چهاردهم جمادی الثانی ۲۲۸ هجری قمری است.

به نظر می‌رسد مؤلف، این کتاب را پس از شرح تجرید الاصول و مناہج الاحکام (۱۲۲۴ ق.) و همراه با مفتاح الاحکام (۱۲۲۸) نگاشته است. همچنین در کتاب از «عین الاصول» نیز نام می‌برد. منهج و روش مؤلف در ترتیب مباحث، متفاوت با روش معمول خودش و پدرش است، چرا که اهمیت و محوریت بحث را به «ظن» داده و بدین لحاظ از این موضوع آغاز می‌کند و از بیان اصول عقلیه و بسیاری از مباحث الفاظ و مشترکات کتاب و سنت پرهیز می‌کند.

کتاب در قالب سه اصل تبویب شده، که به شرح زیر است:
اصل اول: درباره ظن؛

فایده اول: اصالت عدم حجیت ظن؛

فایده دوم: رد ادله قائلین به اصالت همه ظنون؛

فایده سوم: اثبات جواز عمل به ظن، فی الجملة؛

فایده چهارم: رد ادله آن‌که جواز عمل به ظن را مطلقاً نفی نموده است.

اصل دوم: خبر واحد و حجیت آن؛

فایده اول: ادله حجیت خبر واحد و رد آن‌ها؛

فایده دوم: روشی که در حجیت خبر واحد پیموده‌ام؛

فایده سوم: رد ادله کسانی که به طور مطلق خبر واحد را حجت نمی‌دانند؛

۸. اساس الاحکام، مخطوط، ص ۲.

طریق آن‌ها را پیموده و آثار و کردار آنان را الگویمان قرار دهم، پس هر آنچه میسر بود، اعم از کتاب، رساله و جوابیه، در این باره نگاشتم و خداوند متعال اتمام شرحم را بر تجرید الأصول - از تصنیف‌های پدر علامه ام-آسان گردانید که در هفت مجلد، مشتمل بر هر آنچه متعلق به این علم است و تحقیقاتی که کتاب‌های علمای گذشته از آن‌ها خالی است و نکات دقیقی که مانند آن در کتاب‌های فقیهان پس از آن‌ها نیامده، به اتمام رسید. پس از آن دوست داشتم همه مسائل این علم را با عبارت‌هایی درخور و پژوهش‌هایی منقح تدوین کنم، پس به این هدف آغاز نمودم و حاصل آن کتاب مناهج الاحکام شد که مشتمل است بر نظریه‌های دقیق، که دیدگان مانند آن را ندیده و اندیشه‌های ناب‌ی که عقل‌ها بدان دست نیافته، و نکات دقیقی که چشمان را روشن و پژوهش‌هایی که خاطر عالمان فرهیخته را مسرور می‌سازد.

فایده چهارم: بیان اخباری که از تحت اصل خارج می‌شوند؛ فایده پنجم: پاره‌ای از مباحث مربوط به الفاظ.

اصل سوم: در بیان حکم دو خیر متعارض:

فایده اول: حکم محل تعارض؛

فایده دوم: حکم آن‌جا که عام خاص من وجه وارد شوند؛

فایده سوم: حکم دو خبری که در تعارض برابرند.

۳. مناهج الأحکام

اگر بگویم این کتاب بزرگ‌ترین و مفصل‌ترین کتاب اصولی شیعه تا عصر نراقی است، اغراق نکرده‌ایم؛ با در نظر گرفتن این نکته که مؤلف حسو و زوائد را رها کرده و تنها به تنقیح پایه‌های علم اصول و قواعد آن پرداخته است و مسائل و موضوعات کلامی و ... را تا آن‌جا که از باب مقدمه ذکر آن لازم است، آورده است.

وی در خطبه آغاز کتاب چنین می‌نگارد:

وقد صَنَّفَ فِيهِ مِنْ سَبَقْنَا الْكَثِيرِ وَاسْتَخْرَجُوا مِنْ مَسَائِلِ الْجَمِّ الْغَفِيرِ وَلَمَّا وَصَلَتِ النَّوْبَةُ إِلَيْنَا أَحْبَبْنَا أَنْ نَهْجَ عَلَيَّ مِنْوَالِهِمْ وَنَقْتَدِي بِأَقَارِهِمْ وَأَعْمَالِهِمْ، فَكُنْتِنَا فِيهَا مَا تَيْسَّرَ مِنْ كُتُبِ وَرَسَائِلِ وَأَجْوِبَةٍ وَمَسَائِلِ وَسَيَّرَ اللَّهُ تَعَالَى إِتْمَامَ شَرْحِنَا عَلَيَّ تَجْرِيدَ الْأَصُولِ مِنْ مَصْنُوعَاتِ الْوَالِدِي الْعَلَمَةِ - طاب ثراه - فِي سَبْعِ مَجَلَّدَاتٍ، مَشْتَمَلَةً عَلَيَّ جَمِيعَ مَا يَتَعَلَّقُ بِهَذَا الْعِلْمِ، بِتَحْقِيقَاتٍ يَخْلُو عَنْهَا كُتُبُ عُلَمَائِنَا الْمُتَقَدِّمِينَ وَتَحْقِيقَاتٍ لَا يَوْجَدُ مِثْلُهَا فِي مَصْنُوعَاتِ فَهَّائِنَا الْمُتَأَخِّرِينَ، ثُمَّ أَحْبَبْنَا أَنْ يَدُونَ عَمْدَةَ الْمَسَائِلِ فِي هَذَا الْكِتَابِ بَعَارَاتٍ لَائِقَةً وَتَحْقِيقَاتٍ رَائِقَةً، فَشَرَعْتُ فِي الْمَقْصُودِ بِعَوْنِ اللَّهِ الْمَلِكِ الْوَدُودِ وَجَاءَ بِحَمْدِ اللَّهِ سَبْحَانَهُ مَشْتَمَلًا عَلَيَّ دَقَائِقَ أَنْظَارٍ لَمْ تَفُحْ بِمِثْلِهَا الْأَنْظَارِ وَفَوَائِدَ أَفْكَارٍ لَمْ تَصِلْ إِلَيْهَا أَيْدِي الْأَفْكَارِ، مَحْتَوِيًا عَلَيَّ تَحْقِيقَاتٍ تَقْرِبُهَا أَعْيُنُ النَّاطِرِينَ وَتَحْقِيقَاتٍ تَسْرِبُهَا خَوَاطِرُ الْعُلَمَاءِ الْمَاهِرِينَ ...^۹ بسیاری از پیشینیان ما درباره علم اصول کتاب نوشته و مسائل آن را استخراج کرده‌اند و آن‌گاه که نوبت به من رسید، دوست داشتم که

اما سبک کتاب و ترتیب و تبویب مباحث آن، با پیروی از روش ملا مهدی در انیس المجتهدین با کمی اختلاف، به طور خلاصه عبارت است از:

مقدمه؛

فصل اول: تعریف علم اصول؛

فصل دوم: موضوع، فایده و مرتبه علم اصول و ...؛

مقصد اول: آنچه مربوط به الفاظ و لغات است.

در این مقصد یک مقدمه و سیزده فصل آمده است و عموم مطالب همان است که اکنون نیز با عنوان مباحث الفاظ در کتاب‌های اصولی، رابح است؛ مانند مترادف، اشتراك، حقیقت و مجاز، نقل، مشتق، امر و نهی، عام و خاص، مطلق و مقید، مجمل و مبین، نص و ظاهر، محکم و متشابه، منطوق و مفهوم.

مقصد دوم: آنچه مربوط به حکم می‌گردد.

رؤوس مباحث این فصل شبیه مبادی احکامیه در انیس المجتهدین است.

مقصد سوم: ادله شرعیه

در طی چهار فصل، چهار دلیل شرعی را بر می‌شمرد و حدود و ضوابط استناد به آن‌ها را ذکر می‌کند:

فصل اول: کتاب؛

فصل دوم: سنت؛

فصل سوم: اجماع؛

فصل چهارم: ادله عقلیه، که خود آن شامل چند بحث است:

۹. مناهج الأحکام، چاپ حجرى، ص ۱.

اصل نفی حرمت، اصل نفی وجوب، اصل نفی اشتغال، اصل نفی استحباب و کراهت و ...

مقصد چهارم: اجتهاد و تقلید؛

مقصد پنجم: تعارض و تراجیح؛

چاپ سنگی این کتاب ۳۲۱ صفحه رحلی (۴۰ سطری) است و با استناد به دو نسخه خطی دیگر، مربوط به کتابخانه های مرعشی و ملک، پیش بینی می گردد تصحیح، تحقیق و تنظیم آن در ۴ تا ۳ مجلد به چاپ برسد.

ب. آثار فقهی

تألیف های فقهی ملامهدی و ملااحمد نراقی از چند جهت قابل بررسی و دقت است.

۱. روش و سبک ارائه مباحث: اعم از فصل بندی و ترتیب مباحث، ادبیات و قلم نگارش، که در تمام این ها ابداع و خلاقیت و نوآوری به چشم می خورد.

۲. تنوع تألیف: ایشان در سطوح مختلف، فقاقت را توسعه دادند و نگاشته های فقهی شان از فتاوا گرفته تا بحث های استدلالی و پیچیده فقهی همه را شامل می شود. از یک سو کتاب «انیس التجار» ملامهدی نراقی را به زبان فارسی و برای تجار و پیشه وران می بینیم که چقدر شگفت، تمام فروع را تبیین کرده است، و از سوی دیگر «مستند الشیعه» و «لوامع الاحکام» را برای اهل علم و طالبان فقه.

۳. جامع نگری: در همه آثار فقهی نراقی ها آنچه به چشم می خورد جامعیت آن ها و شمول بر همه فروع و زوایای مسائل است؛ تا آن جا که هیچ صورتی از مسئله باقی نمی ماند جز این که مؤلف بر آن، دلیل و نظر می آورد.

۴. توجه به مقتضیات زمان و ابتناء بر فکر اجتهادی و اصولی: این مهم ترین ویژگی فقه نراقی ها است که آن را در صدر اندیشه فقهی سده های اخیر قرار داده و فقهی بزرگ چون شیخ مرتضی انصاری را به خوشه چینی از آن خرمن فرامی خواند.

با این توضیح مختصر، نظری به کتاب های فتوایی این دو فاضل گرانقدر می افکنیم.

۱/ب. ملامحمد مهدی نراقی

۱. تحفه رضویه

فقه فارسی و فتوایی ملامهدی نراقی است در ابواب طهارت و نماز که در آغاز نیز دو مقدمه پیرامون تقلید و اجتهاد آورده است. ویژگی های کتاب عبارت است از:

۱. به جهت نگارش کتاب برای عوام، از استدلال و ذکر ادله خالی است و در عوض با بیانی روشن و گویا و دسته بندی منظم مسائل فقهی، فهم احکام را برای مکلف و مقلد آسان نموده است. گرچه در برخی مسائل یادی از بزرگان فقیهان، مثل شیخ مفید، شیخ طوسی و شهید می کند و به اقوال آنان اشارت دارد.

۲. در هر فرع فقهی، شقوق و مصادیق مختلف آن، که مردم بدان ها مبتلا هستند، بیان شده و حکم هر یک ذکر گردیده است.

۳. فرزند مؤلف، ملااحمد نراقی حواشی توضیحی یا احیاناً اختلاف نظرهای خود را در کنار کتاب با امضای (احم د) درج کرده است. در برخی از این حواشی به کتاب های مرحوم ملامهدی نراقی، مانند لوامع الاحکام نیز اشاره شده است و اختلاف نظر مؤلف با آن کتاب ها تبیین گردیده است.

در مقدمه کتاب می خوانیم:

این رساله ای است در بیان مسائل ضروری طهارت و نماز که علم به آن بر هر یک از افراد مکلفین واجب و لازم است.

۲. انیس التجار

در مقدمه آن آمده است:

به عرض برادران ایمانی و دوستان روحانی می رساند که چون علم به مسائل تجارت، از جمله لوازم و مهمات است، خصوصاً بر جماعتی که اشتغال به امر مذکور می دارند؛ لهذا این احقر را به خاطر قاصر رسید که مسائل تجارت را در این رساله جمع کنم، بر نهجی که از آیات کلام رب العالمین و اخبار ائمه طاهرین - صلوات الله علیهم اجمعین - و اجماع علمای راشدین - رضوان الله علیهم اجمعین - و از سایر ادله و براهین مستنبط شده، امید که فایده او به کافه فرقه ناجیه - کثر هم الله - عاید شود ... ۱۰

ویژگی های عمده کتاب به شرح زیر است:

۱. زبان و ادبیات فارسی که در آن به کار گرفته شده، بسیار

۱۰. انیس التجار، چاپ سنگی، ص ۲ و ۳.

محمد مهدی نراقی - اوتی کتابهما بیمینهما - که چون در خصوص مسائل ضروریة طهارت و نماز، کتاب التحفة الرضویة را که تألیف والد ماجد - طاب ثراه - بود و جامع اکثر مسائل متعلقه به طهارت و نماز بود، سابق بر این مطالعه نموده و در بعضی مواضع در حاشیة آن، چیزی که احتیاج بود، الحاق شد؛ لهذا در این وقت به خاطر رسید که رساله ای مشتمل بر مسائل و آداب ضروریة روزه و زکات و خمس از جهت طالبین زاد معاد و سالکین راه سداد، تألیف نماید.

این کتاب در سه مقصد نگاشته شده:

مقصد اول: مسائل و احکام و آداب روزه.

مقصد دوم: زکات و احکام آن.

مقصد سوم: خمس و مسائل آن.

مؤلف در هر یک از این سه مقصد، طی چند مطلب، و در ذیل هر مطلب با ذکر فصولی، تمام فروع و مسائل مربوطه را استخراج و بیان نموده است.

ویژگی های عمده کتاب عبارت است از:

۱. زبان ساده و قابل فهم و در عین حال رعایت نگارش و ادبیات فارسی عصر مؤلف.

۲. استدلالی نبودن کتاب، جهت فهم عوام.

۳. جامعیت و شامل بودن بر همه فروع و مسائل و مصادیق خارجی آن ها، با ذکر مثال های متعدد برای فهم بهتر معنا. به خصوص در ابواب زکات و خمس که محاسبه مقادیر مربوطه برای عوام مشکل و فهم آن ها سخت است.

۴. در برخی از احکام، به قول برخی از علما و معمولاً بدون ذکر نام استنباط شده است. این امر در برخی فروع به جهت قوت بخشیدن نظر مؤلف است که تأییدی از دیگران نیز بیاورد، یا این که می خواسته نظریه های دیگر، غیر از نظر خویش را ذکر کند که مقلد با آن ها نیز آشنا گردد. مثلاً در باب روزه می گوید:

مسئله یازدهم: جایز است چکانیدن دوا به گوش از برای روزه و ضرر به روزه نمی رساند. و بعضی از علما در این جا نیز قایل به بطلان شده اند و این قول نیز ضعیف است ...

خداوند روح قدسی آن دو اقیانوس علم و معرفت را مشمول والاترین الطاف رحمانی خود نموده، کویر دلایمان را به نمی از آن یم دلال سیراب کند.



فنی، دقیق و برای بسیاری از اصطلاحات عربی و اژه های فارسی معادل به کار گرفته شده است؛ به طوری که برای مردم زمان مؤلف سهل الوصول و قابل فهم بوده است.

۲. جامعیت کتاب بر همه ابواب معاملات و متاجر، چنان که این امر در طی هفت باب کلی به سامان رسیده است:

باب اول: تجارت، باب دوم: قرض و دین، باب سوم: مضاربه، باب چهارم: شرکت، باب پنجم: وکالت، باب ششم: حواله، باب هفتم: صلح.

۳. توضیح و شرح فروع و مسائل، به همراه مثال ها و مصادیق متفاوت؛ به گونه ای که کاملاً مطلب برای خواننده تفهیم گردد و در تشخیص مصداق و کاربرد فرع فقهی اشتباه نکند. به نمونه ای توجه کنید:

مسئله یازدهم [از شرط سیم از شرایط معتبره در بیع]: هرگاه جنسی قدر او معلوم باشد جایز است خریدن جزئی از او، بر سبیل مشاع، مثل ثلث او را یا ربع او را یا نصف او را، خواه اجزاء او مثل یکدیگر نباشند، بلکه تفاوت با یکدیگر داشته باشند، مثل این که بخرد نصف خانه را بر سبیل مشاع، یا ثلث دو هزار ذرع کرباس را بر سبیل مشاع، که اجزاء آن کرباس با هم دیگر تفاوت داشته باشد ... ۱۱

از آن جا که این کتاب کامل ترین فقه التجاره فارسی بوده است، همواره توجه فقیهان بدان جلب شده و بر آن حاشیه نویسی کرده و به عنوان رساله عملیه در میان مردم رواج داده اند. لذا بر چاپ های مختلف کتاب حواشی آیات عظام، شیخ عبدالکریم حائری یزدی، سید محمد کاظم طباطبایی (صاحب عروه) و سید صدرالدین صدر را می بینیم.

۲/ب. ملا احمد نراقی

تذکره الأحباب

تمت کتاب تحفة رضویه است به زبان فارسی و در بیان احکام شرعیه جهت عوام الناس.

مؤلف در خطبه کتاب می نگارد:

چنین گوید ذره بی مقدار و بنده بی اعتبار، احمد بن